

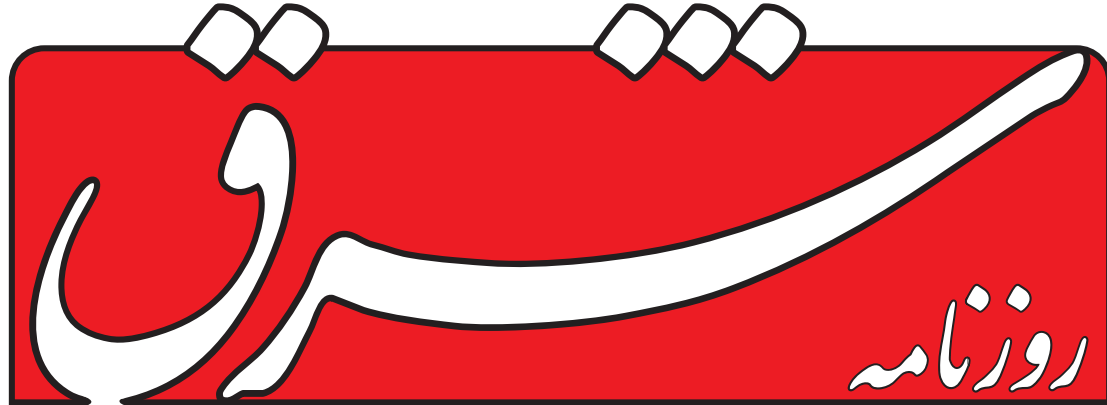


احمد غلامی

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با نامزد برگزیده مردم به سرانجام رسید. این انتخابات تمام با آرامش، به معنای دقیق کلمه تجلی سیاستی واقع‌گرایانه بود. در سیاست‌های واقع‌گرایانه «امر سیاسی» دست بالا ندارد؛ چراکه مشارکت در انتخابات از جمله انتخابات مجلس، شوراها و ریاست جمهوری به معنای «امر سیاسی» نیست. این فعالیت‌ها نوعی مشارکت در سازوکار قدرت است. برای بهبود وضع موجود و ارتقای سطح کیفی زندگی و در نهایت تضمین آینده بهتر همه این مطالبات سوبیه‌های منفعت‌گرایانه دارد که در بازی و مناسبات قدرت، یا به دست می‌آید یا نمی‌آید. پس این وضعیت را نباید با سیاست رهایی‌بخش مبارزه برای آزادی و عدالت یکی پنداشت. این سیاست انتخاباتی میدانی از نیروهاست برای گذر به وضعیتی مطلوب‌تر که حق انکار ناپذیر مردمی است که در شرایط سختی به سر می‌برند. اما آنچه سیاست اصیل را می‌سازد، نوعی «میل» است برای بیرون‌رفت از خودگی سیاسی و وضعیت‌های کسالت‌بار زندگی و ایجاد فضای شور و اشتیاق که در آن لحظاتی رقم می‌خورد که منجر به سیاستی رهایی‌بخش می‌شود.

لحظات تکنیکی که در آن انسان دوباره احیا می‌شود، انسانی نو با احساساتی ناب از شور زندگی، بگذارید از جای دورتر موضوع را نگاه کنیم. زمانی که موسی (ع) بر بلندای کوه در برابر خالقش ایستاد و شفیق قوشش شد تا خدا آنان را ببخشد، آن‌هم نه به خاطر خودشان که گناهکار بودند بلکه برای موسی (ع) که رابطه‌ای مرید و مرادی با خدا داشت. موسی (ع) به درگاه خدا تضرع می‌کند و از خدا می‌خواهد از گناهان قوشش بگذرد و توبه‌شان را ببپذیرد. بعد از پذیرش درخواست موسی (ع) است که: «مردم جدید خداوند پدید آمدند». در اینجا تأکید بر «مردم جدید خداوند» است. مردم جدید همان چیزی است که لازمه امر سیاسی است تا آنگاه بتوان مدعی شد سیاست خلق شده است. در مناسبات قدرت انسان به‌مثابه سوزهای سیاسی نیست. مناسبات قدرت همان سازوکار قدرت است که در آن قدرت و مردم بازتولید می‌شوند. امر سیاسی را نمی‌توان به مناسبات قدرت و بازی در آن فروکاست. در اینجا مردم و سیاستمداران در یک منظومه و در معنای دقیق‌تر آن در یک میدان نیروی محدود و معین دست به اقدام و ابتکار سیاسی می‌زنند تا هرکدام به مطالبات خود دست یابند. مردم از این رهگذر است که عده‌ای را به دولت می‌رسانند تا دولت دوباره شکل بگیرد. ایده رایج درباره دولت این است که مردم دولت‌ها را می‌سازند و به آن مقبولیت و مشروعیت می‌دهند. دولت قرارداد مابین مردم و دولت‌هاست. اعضای دولت‌ها حتی پیش از برگزیده شدن، اگر پیشینه دولتی داشته باشند، مردم نیستند؛ نخبگان و خواصی‌اند که در انتظار بازگشت به ایفا در دولت‌اند. آنان مردم نیستند و پس از منفک شدن از دولت هم مردم نخواهند شد؛ مگر اینکه در مناسباتی غیر از این میدان نیروها دوباره در لحظاتی تکنیک به مردم تبدیل شوند. بدیهی است مردمی هم که در این میدان نیروها عمل می‌کنند، سوزهای سیاسی نیستند. آنان هم جزئی از مناسبات قدرت‌اند که به میزان توان‌شان در فرایند سیاست قادر به اثرگذاری خواهند بود.

با درک این رویکرد مردم و سیاستمداران می‌توانند انتظارات‌شان را در بازی این میدان نیروها عقلانی‌تر کنند. هرگونه پیمایش برای سطح انتظارات مردم و چهره‌های انتخاب‌شده برای دولت در این میدان نیروها راه به جایی نخواهد برد. این یعنی مشارکت در آنچه به آن سیاست واقع‌گرایانه می‌گویند. به‌ندرت در سیاست‌های واقع‌گرایانه سوزهای سیاسی خلق شده و لحظات تکنیک رخ خواهد داد. از این منظر انتخابات هشتم تیرماه ۱۴۰۳ یکی از نزدیک‌ترین انتخابات به این ایده است. هر شش نامزد ریاست جمهوری با تشخیص موقعیت خود در میدان تلاش کردند از قاعده تعیین‌شده عدول نکنند و به آن وفادار بمانند. هیچ‌یک از نامزدها سودای امر سیاسی به‌مثابه خلق سوزهای سیاسی را در سر نمی‌پروراند. البته نباید نادیده انگاشت که در این میان مصطفی پورمحمدی به دلیل سخنانی که تاکنون کسی آنان را بر زبان نیاورده بود، توانست در همین وضعیت نیز اخلال ایجاد کند. او یکی از چهره‌های متفاوت این دوره انتخابات بود که بیش از هر چیز در پی بازنویسی گذشته تاریخی‌اش بود و همین امر موجب می‌شد او به یک سوز سیاسی تبدیل نشود و بیش از هر چیز میان‌برده عجیب و باورنکردنی در انتخابات باشد. آن‌هم در عصری که شبکه‌های اجتماعی از همه چیز حیرت‌زایی کرده‌اند.



شنبه ۹ تیر ۱۴۰۳
۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۲۹ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۶۶
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



توصیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
بعد از مشارکت در انتخابات:
مردم برای حضور
در انتخابات هیچ تردیدی
به خود راه ندهند

در «شرق» امروز می‌خوانید: گفت‌وگو با «امیرحسین حریری»، کارگردان نمایش مستند «صداهایی ورای تاریکی» • پایان رأی‌گیری و دو احتمال انتخاباتی پیش‌رو / ابراهیم ایوبی



گزارش «شرق» از روز انتخابات ریاست جمهوری و حضور اقشار مختلف مردم، فعالان و چهره‌های سیاسی پای صندوق‌ها

روز امید

این گزارش را در صفحه ۲۵ بخوانید. عکس: نورسید سلیمانی/ایرنا

برگزیده‌ها

متعادل نبودن منابع و مصارف شبکه بانکی یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی دولت چهاردهم است

گرفتاری بانک‌های ناتراز

عملکرد ضعیف بایدن در مناظره با ترامپ دموکرات‌ها را نگران کرده است

چالش جایگزینی بایدن

مسمومیت گسترده داروهای دیالیز صفاقی یک شرکت داروسازی

مرگ خاموش

بیماران دیالیزی

گفت‌وگوی «شرق» با کارشناس درباره اظهارات کودرزی که مردان حق تعرض به زنان بدحجاب را دارند

آتش به بنیاد انسانیت

گزارشی از معضلات رانندگان و مسافران تاکسی‌های اینترنتی

مورد عجیب سید حسین

فراخوان بیست و دومین جشنواره ملی رسانه‌های ایران

ضمن گرامی‌داشت یاد سید شهیدان خدمت، آیت‌الله ابراهیم رئیسی و همراهان شهید ایشان، معاونت امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هدف ارج نهادن به تلاش‌ها و فعالیت‌های اصحاب رسانه و ایجاد رقابت سالم در راستای ارتقای استانداردهای رسانه‌نگاری در کشور، بیست و دومین جشنواره ملی رسانه‌های ایران را برگزار می‌کند.

شرایط و مقررات شرکت در جشنواره:

آثار منتشر شده در بازه زمانی ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ لغایت ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

ثبت نام و ارسال آثار:
rasaneh.pressfestival.ir

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۳ تیرماه

سطح جشنواره
رسانه‌های سراسری
رسانه‌های استانی
رسانه‌های اجتماعی

بخش رقابتی «آثار»
سرمقاله، مقاله، یادداشت
خبر
گفت‌وگو
گزارش
تیتراژ
عکس
گرافیک

بخش رقابتی «موضوعی»
همه علیه نسل‌کشی در غزه / شهید جمهور

بخش رقابتی «رسانه‌ها» در حوزه تحول
تحول در ساختار و فرایندها
تحول در تولید محتوا
تحول در انتشار و توزیع محتوا

آیا دروغ گویی دیگر اشکال ندارد؟

زمانی که این یادداشت را می‌نویسم، هنوز چند ساعتی تا طلوع صبح و باز شدن در حوزه‌های رأی‌گیری و آغاز انتخابات مانده است و البته زمانی که شما این یادداشت را می‌خوانید، تقریباً تصویری کلی از آنچه بر انتخابات گذشته، معلوم شده است اما آنچه می‌ماند اعلام جزئیات که زمان می‌برد. اما آنچه قصد نوشتنش را دارم، تجربه‌ای بود که در این حدود سه هفته پشت سر گذاشتیم. سه هفته‌ای عجیب که حیرت‌افزا بود. اما آن تجربه چیست؟ در این دو سه دوره گذشته در انتخابات ریاست جمهوری، با پدیده‌ای روبه‌رو شدیم که حالا گویا قرار است تبدیل به ویژگی انتخابات ریاست جمهوری در ایران شود. حضور کاندیداهایی که از همان لحظه اعلام اسامی تأیید صلاحیت‌شان شد، بر همه روشن است که بعضی از آنها، نه به قصد کسب رأی از مردم که با مقصود دیگری وارد کارزار انتخاباتی شده‌اند. اما اینکه این فقط مردم عادی هستند که چنین تصویری را متوجه می‌شوند یا مسئولان برگزارکننده هم از چنین ماجرابایی باخبرند یا خیر، بر من معلوم نیست، ولی هرچه هست، دیگر انکار قرار است که انتخابات، چند کاندیدای اصلی داشته باشد و چند کاندیدایی که از همان روز اول با نام «کاندیدای پوششی» شناخته می‌شوند. چند نفری که گویی پیداست قرار شده بیایند و حرف‌هایی بزنند و به یکی دو نفر دیگر کمک کنند و به یکی دو نفر دیگر حمله کنند و ادعاهایی بکنند و وعده‌هایی بدهند که دیگر عیان شده که هیچ‌کدام وجهی از واقعیت ندارد. چند نفری که گویا قرار است پای ثابت چنین حضوری باشند و قبلاً هم بوده‌اند و انکار همان‌ها، بعد از این هم هستند. پوششی‌هایی که احتمالاً حق دارند هر نوع حرفی بزنند، حرف‌های غیرواقعی هم بگویند، وعده‌هایی عجیب هم بدهند و کلاً هرچه دلشان خواست بگویند، تا آنجا که اعلام کنند گوشت می‌دهیم، طلا می‌دهیم یا حتی رو به کاندیدای دیگر کنند و بگویند «من نمی‌گذارم تو رئیس جمهور شوی». اما همین تنها هم نبود. کار وعده‌دادن چنان بالا گرفت که حتی غیرواقعی‌ها هم شروع کردند به بذل و بخشش‌هایی که معلوم نبود از کدام جیب، این دارایی را بیرون خواهند آورد و به ملت خواهند بخشید؟ یکی جت‌اسکی می‌داد، یکی زمین می‌داد، یکی پول می‌داد، یکی استخر می‌داد و اگر یکی پیدا می‌شد و می‌رسید اگر این همه چیز را می‌شود به ملت داد، پس چرا در این ۴۵ سال اینها را به مردم نداده‌اند و چه کسی مانع شده است؟ اما انکار نه انکار. من نمی‌گویم اینهایی که چنین وعده دادند دروغ می‌گویند، ولسی خب اگر ذره‌ای از

صادقت هم در آنچه می‌گویند و در ادعاهایشان وجود داشته باشد، آن وقت حتماً باید گشت و پیدا کرد که چرا در این ۴۵ سال چنین نشده و چه کسی یا کسانی مانع رساندن چنین انبوه نصیحت‌هایی به مردم شده‌اند. ولی اگر دروغ گفته باشند، آن هم دروغ‌هایی این قدر بزرگ، داستان وجه دیگری پیدا می‌کند. آن وقت یعنی اینها که همه از صاحب‌منصبان کشورند، آیا می‌توانند در آن جایگاهی که قرار دارند ادامه خدمت دهند؟ من کاری ندارم که چه کسی به ریاست جمهوری انتخاب می‌شود، ولی در این سه هفته اتفاقاتی افتاده که نمی‌شود گفت نیتاده، و بعضی از این کاندیداها سخنانی گفته‌اند که نمی‌شود گفت نگفته‌اند. اینجا تعارض بزرگی وجود دارد. اینها یا راست گفته‌اند یا نگفته‌اند. اگر راست گفته‌اند که می‌شود طلا داد و راست گفته‌اند که می‌شود گوشت به در خانه مردم برد و اگر راست گفته‌اند که می‌شود قیمت بنزین را از سه هزار تومان به هزار و ۵۰۰ تومان کاهش داد و اگر می‌شود جت‌اسکی داد و می‌شود که زمین داد؛ باید یکی جواب دهد که چرا اینها را تا حالا به مردم ندادید و چرا بنزین هزار و ۵۰۰ تومان نیست و سه هزار تومان است؟ چون واقعاً نمی‌شود که قیمت بنزین دو برابر باشد، می‌شود؟ اما اگر این حرف‌ها غیرواقعی باشد و این پوششی‌ها و واقعی‌ها، این سخنان را بیهوده گفته باشند و این همه حرف‌های نادرست جور و واجور هم گفته باشند و بعد بروند سر پست‌ها و مناصب بالایی که دارند بنشینند، آن وقت یعنی چه؟ یعنی هیچی به هیچی؟ بیایند بگویند و بروند؟ یعنی واقعاً این‌طوری است؟ و گفتن حرف‌هایی از این‌سین آن هم از سوی برخی مسئولان رده‌بالای کشور، هیچ پیامدی ندارد؟ یعنی ما مردم عادی هم حق داریم اینگونه سخن بگوییم؟ یا آنکه نه، ما حق گفتن نداریم و حرف غیرواقعی فقط حقی است مختص به صاحبان قدرت، آن هم دروغ‌های آشکار و رو به دوربین و چشم در چشم؟ بعد حالا، اگر مردم به آن یکی که اینگونه سخن نمی‌گفت و وعده نمی‌داد رأی دادند، قرار است چه بشود؟ او بماند با این جماعتی که این همه حرف‌های بیهوده گفتند و بی‌هیچ مشکلی برکشتند به سر مناصبشان؟ ماجرای عجیبی شده این انتخابات ریاست جمهوری، از وقتی آن «توهم معجزه هزاره سوم» راست راست در چشم آدم نگاه می‌کرد و حرف‌های غیرواقعی می‌زد انکار این نوع حرف‌زدن به یکی از محسنان برخی مدیران اجرایی تبدیل شده است. به نحوی که دیگر نه باعث خجالت است و نه جزایی دارد، که اگر داشت، نباید شاهد بازگشت این افراد به منصب‌هایشان می‌بودیم.